



پیام حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی (دام برکاته) به حجاج بیت الله الحرام

۱۴۳۹ هجری قمری ۱۳۹۷ شمسی

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ سَيِّمًا خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ عَلَيْهِمَا آلَافُ التَّحِيَّةِ وَ الثَّنَاءِ بِهِمْ تَتَوَلَّى وَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ تَنْبَرُّ إِلَى اللَّهِ».

حج و عمره و إحرام و زیارت و طواف همه شما بزرگواران، حاجیان و معتمران - إن شاء الله - مقبول پروردگار باشد و بهترین ضیافت را ذات اقدس الهی درباره «ضیوف الرحمن»^۱ که مصداق بارز آن شما علویها هستید، حسنیها و حسینیها هستید، صادقی و باقری و مهدوی (صلوات الله و سلامه علیهم أجمعین) هستید، پیروان قرآن و عترت هستید، خدای سبحان بهره شما بفرماید!

مستحضر هستید که کعبه با بناهای دیگر فرق دارد. درباره عظمت کعبه همین بس که فرمودند تا کعبه هست، دین هست^۲ و چون دین «الی یوم القيامة» هست، کعبه هم «الی یوم القيامة» خواهد بود. کعبه از نظر بنا نظیر آیات

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص ۱۸۹؛ «... أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُئِلَ ... قِيلَ لَهُ فَلِمَ حَرَّمَ الصِّيَامَ أَيَّامَ التَّشْرِيقِ قَالَ لِأَنَّ الْقَوْمَ زُورُوا اللَّهَ وَ هُمْ فِي ضِيَافَتِهِ وَ لَا يَجْمَلُ بِمُضَيَّفٍ أَنْ يُصَوِّمَ أَضْيَافَهُ».

۲. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص ۲۷۱. «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبِي الْمُعْرَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ».

قرآن از نظر کلام است که ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ﴾^۱ هر وقت آبره‌های بخواد به حرم امن

کعبه اهانت کند، همواره «طیر ابابیل» هست که به حیات او خاتمه می‌دهد.^۲

سر اینکه کعبه همانند کتاب الهی از قداست و پایداری ابدی برخوردار است، این است که با دست انبیا ساخته

شده است. خلیل حق و ذبیح حق این بنا را احداث کردند، گرچه مسبوق به سابقه بود: ﴿وَإِذِ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ

مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا﴾^۳ با زمزمه ﴿تَقَبَّلْ مِنَّا﴾ این دو پیامبر بزرگوار، این بنا را بالا آوردند و

همان طوری که مستحضر هستید قرآن «حبل متین» خداست که از طرف ذات اقدس الهی به زمین آویخته شد، نه

انداخته شد؛ یعنی آن طوری که خدا باران را نازل کرد، آن طور قرآن را نازل نکرد. باران به نحو تجافی از بالا به

زمین آمد؛ یعنی خدا آن را از بالا به زمین انداخت؛ ولی قرآن به نحو تجلی از بالا به زمین آمد؛ یعنی از بالا آویخت.

حبل خداست؛ لذا کسی که در محضر قرآن کریم است، با این حبل الهی در تماس است: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ﴾^۴

اگر حاصل شد، چون آن طرف حبل به دست خدای سبحان است، گویا با دست بی‌دستی الهی بیعت کرده است.

در جریان کعبه که می‌گویند اگر کسی «حجر الاسود» را استلام^۵ کرده است؛ نظیر آن است که با ذات اقدس

الهی بیعت کرده باشد، با ید بی‌یدی الهی بیعت کرده باشد،^۶ برای آن است که کعبه به صورت آویختن از بالا آمده، نه

به صورت انداختن.

۱. سوره فصلت، آیه ۲.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۸ و ۲۴۹: «مَنْ أَرَادَ الْكَعْبَةَ بِسُوءٍ ... وَإِنَّمَا لَمْ يَجْرِ عَلَى الْحَجَّاجِ مَا جَرَى عَلَى تَبِعٍ وَأَصْحَابِ الْفَيْلِ لِأَنَّ قَصْدَ الْحَجَّاجِ لَمْ يَكُنْ إِلَى هَذَا الْكَعْبَةِ إِنَّمَا كَانَ قَصْدُهُ إِلَى ابْنِ الزُّبَيْرِ وَكَانَ ضِدًّا لِصَاحِبِ الْحَقِّ فَلَمَّا اسْتَجَارَ بِالْكَعْبَةِ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُبَيِّنَ لِلنَّاسِ أَنَّهُ لَمْ يَجِرْهُ فَأَمْهَلَ مِنْ هَدْمِهَا عَلَيْهِ».

۳. سوره بقره، آیه ۱۲۷.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۵. لمس کردن.

۶. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص ۱۸۵.

درباره کعبه وقتی از امام (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهِ) سؤال می‌کنند که کعبه چون مکعب شکل است و شش سطح دارد؛ یکی بالا یکی پایین، چهار دیوار هم که دارد؛ چرا کعبه چهار ضلعی است و چهار دیوار دارد؟ حضرت فرمود، چون «الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ» چهار ضلعی است، بعد فرمود «الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ» چهار ضلعی است، چون عرش خدا چهار ضلعی است و عرش خدا چهار ضلعی است، چون کلماتی که مبنای اسلام است، چهار ضلعی است: «لِأَنَّ الْكَلِمَاتِ الَّتِي بُنِيَ عَلَيْهَا الْإِسْلَامُ أَرْبَعٌ»^۱ و آن این است: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ».

این کلمات چهارگانه که در بخشی تریب است، بخشی تثلیث و بخشی تثنیه، پایانش توحید است که همان «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» باشد. آن سه کلمه و ذکر هم که شما تحلیل می‌فرمایید، به توحید برمی‌گردد. «اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» نیست، «اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُوصَفَ»^۲ است. او سبحان است از اینکه شریک داشته باشد. همه حمد‌ها هم برای اوست: ﴿مَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ﴾^۳ قهراً حمد برای اوست. بازگشت این اذکار چهارگانه به یک ذکر است و آن تحلیل است که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» باشد.

خدای سبحان وحدتش به صورت عرش، بعد به صورت «الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ»، بعد به صورت کعبه ظهور کرده است. آن فیض کلمات چهارگانه، تنزل کرده است به صورت چهار دیواری کعبه درآمده است؛ مثل اینکه قرآن که در محضر ذات اقدس الهی، «علیٰ حکیم»^۴ است تنزل کرده، آویخته شده و به صورت «عربی مبین»^۵ درآمد. اگر در آغاز سوره «حشر» دارد که ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا﴾^۶ این قرآن را عربی قرار دادیم، در بخش بعدی فرمود: ﴿وَإِنَّهُ فِي

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۱.

۲. الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۱، ص ۱۱۷.

۳. سوره نحل، آیه ۵۳.

۴. سوره زخرف، آیه ۴.

۵. سوره شعراء، آیه ۱۹۵.

۶. سوره زخرف، آیه ۳.

أَمُّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ^۱؛ یعنی این قرآن حبل متین است، بالای آن «علیّ حکیم» است و پایین آن «عربی مبین» است. اگر قرآن بالای آن «علیّ حکیم» است و پایین آن «عربی مبین»، کعبه هم بالای آن تسبیحات اربعه هست، پایین آن چهار ضلعی و یک اتاق چهار ضلعی و بنای چهار ضلعی است؛ لذا اگر کسی «حجر الأسود» را استلام بکند، گویا با دست بی‌دستی خدای سبحان بیعت کرده است. تنزل کعبه از عرش است و تنزل به صورت تجلی است نه تجافی، یعنی وقتی بالا هست، پایین هم هست. وقتی پایین هست، بالا هم هست؛ منتها در هر مرحله‌ای مناسب آن مرحله است.

شما مستحضر هستید یک فقیه، یک حکیم، یک مفسر، یک مطلب عمیق علمی را در عاقله خود می‌پرورانید، بعد آن را تنزل می‌دهد در قوه وهم و خیال که به صورت تازی یا فارسی بنویسد یا بگوید، بعد شروع به نوشتن و گفتن می‌کند، به صورت یک کتاب درمی‌آید یا به صورت یک مقال یا مقاله. این سخنرانی یا این کتاب، تنزل یافته آن صورت خیالی و وهمی است. آن صورت خیالی و وهمی تنزل یافته آن صورت عقلی است. این تنزل است به نحو تجلی است نه تجافی و این حکیم یا متکلم یا فقیه می‌گوید من عین آنچه که در عاقله خود بود را گفتم و نوشتم؛ یعنی به نحو حبل متین است، به نحو آویختن است، نه انداختن.

بنابراین در کنار کعبه بودن، می‌توان با محدوده کعبه مأنوس بود و در کنار این سفره نشست و ضیف خدا شد در همین محدوده. می‌تواند ضیف بیت معمور باشد، می‌تواند ضیف عرش باشد که می‌شود «قَلْبَ الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَنِ»^۲، می‌تواند بالاتر از عرش باشد که مهمان کلمات توحید و تسبیحات اربعه باشد.

۱. سوره زخرف، آیه ۴.

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵۵، ص ۳۹.

قبلاً بزرگان، مطلبی که بر قلب خودشان القا می‌شد، می‌گفتند «حکمة العرشية»، از باب اینکه «قَلْبَ الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَنِ». بعدها هر مطلب بلندی را می‌گویند مطلب عرشی، و گرنه قبلاً بنا بر این نبود که هر کسی مطلب بلندی ولو دیگری گفته باشد را بگوید مطلب عرشی است؛ بلکه آنچه بر قلب خود القا می‌شد که «قَلْبَ الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَنِ» است، می‌شد مطلب عرشی.

شما حاجیان و معتمران و محرمان و زائران و طائفان که در جوار کعبه به سر می‌برید، مستحضر هستید که کعبه یک قداست خاصی دارد که تمام زندگی ما به کعبه وابسته است. مستحضر هستید که ما در تمام مدت عمر می‌گوییم: «وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتِي»؛^۱ اصلاً ما با کعبه نفس می‌کشیم، با کعبه زندگی می‌کنیم. نمازهای ما چه واجب چه مستحب به طرف کعبه است. خوابیدن مستحب است به طرف کعبه باشد. تمام مذبح‌ها و ذبح و نحر حیوانات حلال‌گوشت به طرف کعبه باید باشد. احتضار ما به طرف کعبه است. نماز میّت ما با سبک خاص به طرف کعبه است. دفن مرده‌های ما به طرف کعبه است. اصلاً تمام زندگی ما به طرف کعبه است. نشستن مستحب است به طرف کعبه باشد. در حال احتضار می‌گویند وضع محتضر به طرف کعبه باشد. اینکه می‌گوییم: «وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتِي»؛ یعنی اصلاً ما با کعبه نفس می‌کشیم، با کعبه زنده‌ایم، با کعبه می‌میریم و با کعبه هم محسور می‌شویم.

یک بیان نورانی اسحاق بن عمار نقل کرده است که امام فرمود: «مَنْ أَمَاطَ أذْيَ عَنْ طَرِيقِ مَكَّةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَمَنْ كَتَبَ لَهُ حَسَنَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ».^۲ اگر کسی راه کعبه را شستشو کند، رُفت وروب کند، تیغ و خار را از این راه بردارد، مانع را بردارد که زائران به آسانی راه مکه را طی کنند، این روایتی که مرحوم صاحب وسائل در کتاب حج وسائل نقل کرد این است که اگر «مَنْ أَمَاطَ أذْيَ عَنْ طَرِيقِ مَكَّةَ»، کسی راه مکه را صاف کند، نگذارد این راه گرد

۱. زاد المعاد، ص ۳۵۳.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۹۲.

و خاک داشته باشد، خاشاک داشته باشد، خدا حسنه برای او می‌نویسد. کسی که خدا حسنه برای او می‌نویسد، او را عذاب نمی‌کند. این راه مکه است.

ما نباید کاری کنیم که راه حج و زیارت بسته بشود. نباید کاری بکنیم که مسایل سیاسی را دولت‌مردان با مسایل حج و زیارت مرتبط کنند. این حج و زیارت سرچایش محفوظ است، آن مسایل سیاسی دولت‌ها باهم سرچایش محفوظ است. این بیان نورانی امام (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) است که فرمود هر کسی راه مکه را باز کند! «إِمَاظَةٌ» با طاء مؤلف، یعنی برطرف کردن. «مَنْ أَمَاطَ أَدَى عَنْ طَرِيقِ مَكَّةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً». آن وقت راه مکه را نباید بست. راه حج و زیارت را با راه سیاست نباید مخلوط کرد. اینها حسابشان جداست، آنها حسابشان جداست. دولت‌مردان حسابشان جداست. شرق و غرب عالم جداست و کعبه باید امیدوار بود روزی از دست بیگانه‌ها آزاد شود، چقدر اصرار هست که «صَرُورَةٌ»^۱ مستحب مؤکد است که وارد کعبه شود. ای کاش به جایی می‌رسیدیم که این در باز بود و عده زیادی که مخصوصاً «صَرُورَةٌ» و کسانی که سال اول آنهاست، این ضیافت را با عبور از دری به در دیگر و خروج از دری دیگر از نزدیک احساس کنند! این دستوره‌های دینی ماست و به قدری جریان طواف و زیارت کعبه معتبر است که اگر عده‌ای توفیق پیدا نکردند، حاکمان اسلامی و والیان دینی بر آنها واجب است که عده‌ای را به طرف کعبه اعزام کنند.^۲ این جریان بعثه از همین قبیل است؛ منتها الآن به لطف الهی زائران فراوانی هستند، وگرنه اگر کسی نیاید، بر والی لازم است که عده‌ای را به کعبه اعزام کند که این بیت خالی نشود؛ چه اینکه مشابه این در جریان زیارت سالار شهیدان (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ) هم همین‌طور است.

۱. «و صَرُورَةٌ: لَمْ يَحْجِ فَطً». تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۷، ص ۸۷.

۲. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (و المستطرفات)، ج ۱، ص ۶۴۷. «و إذا ترك الناس الحج، وجب على الإمام أن يجبرهم على ذلك...».

حداکثر بهره را شما حاجیان و معتمران و زائران ببرید. در کنار کعبه جز نام و یاد حق چیزی به سر نبرید و حتماً قرآن را تلاوت کنید، حداقل یک دور قرآن را بخوانید و دعا کنید، دعای شما - **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** - مستجاب است و برای جامعه انسانی و اسلامی در شرق و غرب عالم دعا کنید!

امیدواریم همه شما زائران، حاجیان، مُحَرَّمَان، معتکفان به عنوان بهترین «ضیوف الرحمن»، این مناسک را به پایان

برسانید و سالمأً به اوطان خود برگردید!

«غَفَرَ اللَّهُ لَنَا وَ لَكُمْ وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ»